



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال دهم / شماره ۳۹ / پائیز ۱۴۰۰

اثر تعاملی نوسانات محیط اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی و متنوع سازی عملیاتی

سید علی اصغر موسوی گزافرودی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
a.mousavig@gmail.com

غلامرضا فرساد امان الهی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
G.f1966@yahoo.com

امیر رضا کیقبادی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
a.keyghobadi@iauctb.ac.ir

نگار خسروی پور

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
neg.khosravipour@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

چکیده

هدف: هدف از این تحقیق بررسی اثر تعاملی نوسانات محیط اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی و متنوع سازی عملیاتی است. **روش:** به همین منظور، داده های مربوط به شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ استخراج و از مدل رگرسیونی داده های ترکیبی برای آزمون فرضیه های تحقیق استفاده شده است. **یافته ها:** نتایج پژوهش نشان می دهد که کیفیت حسابرسی بر قیمت گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر معناداری دارد. از طرفی، اثر متنوع سازی عملیاتی بر ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه تأیید شده است. در نهایت نتایج تحقیق نشان می دهد که کیفیت حسابرسی منجر به تفاوت هزینه سرمایه در سطوح مختلف عدم تقارن اطلاعاتی می شود. **نتیجه گیری:** نتایج پژوهش نشان می دهد که کیفیت حسابرسی بر قیمت گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر معناداری دارد. از طرفی، اثر متنوع سازی عملیاتی بر ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه تأیید شده است. در نهایت نتایج تحقیق نشان می دهد که کیفیت حسابرسی منجر به تفاوت هزینه سرمایه در سطوح مختلف عدم تقارن اطلاعاتی می شود.

واژه های کلیدی: کنترل های داخلی، عدم تقارن اطلاعاتی، قیمت گذاری، کیفیت حسابرسی، متنوع سازی عملیاتی.

۱- مقدمه

هدف از ایجاد دستگاه‌های اطلاعاتی حسابداری ارائه محیطی است که هم اطلاعات را در دسترس قرار داده و هم ریسک خطای اطلاعات را از بین ببرد. بر اساس نظریه نوین شرکت‌ها، وجود تضاد منافع میان مدیران و مالکان ناشی از جدایی مالکیت و مدیریت منجر به بروز مسائل نمایندگی می‌گردد که می‌تواند به ایجاد محیط اطلاعاتی ضعیف برای شرکت‌ها منتهی شود (واتز و زیمرمن^۱، ۱۹۸۶؛ به نقل از فخاری و رضایی پسته نوئی، ۱۳۹۶). در ادبیات حسابداری و مالی، محیط اطلاعاتی^۲ مفهومی است که اغلب در متون علمی مربوطه مشاهده شده و به کار برده می‌شود اما ارایه تعریفی جامع برای آن دشوار است. تا کنون چندین تعریف مختلف از این مفهوم بیان گردیده که هر کدام وجه متفاوتی از آن را بیان داشته اند اما تعریف واحدی برای محیط اطلاعاتی ارایه نشده است (بیر و همکاران^۳، ۲۰۱۰).

محیط اطلاعاتی شامل تمام منابعی است که مربوط به ارزیابی ارزش شرکت می‌باشند؛ این محیط شامل گزارش‌های دولتی در مورد شرایط اقتصادی، گزارش‌های صنعت نشریات انجمن‌های تجاری، اخبار شرکت‌ها در مطبوعات مالی و گزارش‌های منتشره توسط تحلیل گران و کارگزاران، گزارش‌های مربوط به فروش صنعت و مواردی از این قبیل می‌باشد (کالینز و کوتاری^۴، ۱۹۸۹). هسته اصلی تعریف کالینز و کوتاری این است که محیط اطلاعاتی برابر با منابع اطلاعاتی برای ارزیابی ارزش شرکت در نظر گرفته شده است (جانرگارد و همکاران^۵، ۲۰۲۰). لانگ و همکاران^۶ (۲۰۰۳) محیط اطلاعات را مشابه مفهوم "شفافیت شرکتی"^۷ در مطالعه بوشمن و همکاران^۸ (۲۰۰۱) در نظر گرفتند و بیان کردند که محیط اطلاعاتی دربرگیرنده اثرات گزارش‌های شرکت، کسب اطلاعات خصوصی و انتشار اطلاعات می‌باشد؛ از این رو محیط اطلاعاتی خروجی چندین عامل است که مرتبط با انتقال اطلاعات از شرکت بوده و مشابه با مفهوم شفافیت می‌باشد (جانرگارد و همکاران، ۲۰۲۰). در واقع، محیط اطلاعاتی به میزان اطلاعات عمومی در دسترس شرکت در بازار اشاره دارد (آگاروال و همکاران^۹، ۲۰۱۳). در همین راستا، محیط اطلاعاتی شرکت را می‌توان به شکل "تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران، عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه گذاران، محتوای اطلاعاتی صورتهای مالی منتشره، تحلیل گران و گردآوری اطلاعات خصوصی" تعریف نمود (آرمسترانگ و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۲).

چنین استدلال می‌شود که وجود محیط اطلاعاتی ضعیف در بازار، پیامدهای جمعی و فردی نامطلوبی نظیر مشارکت

حداقلی سرمایه‌گذاران، هزینه‌های معاملاتی بالا، بازارهای رقیق و کاهش سود ناشی از معاملات را به همراه خواهد داشت. گذشته از این، محیط اطلاعاتی ضعیف ممکن است باعث شود تا قیمت‌های سهام، نسبت به آنچه در صورت وجود اطلاعات کامل باید باشد، تفاوت داشته باشند. این آثار نامطلوب، به ویژه پیرامون دوره‌های انتشار اطلاعات یعنی زمانی که انتظار می‌رود منافع معامله گران آگاه بیشتر باشد تشدید می‌گردد به طوری که در بدترین شرایط می‌تواند به سقوط کامل بازار بیانجامد (باتاچاریا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ به نقل از فخاری و پسته نوئی، ۱۳۹۷). انتشار اطلاعات در محیط فعالیت سرمایه گذاران همواره در حال تغییر است؛ این تغییر و گردش اطلاعات، سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاران ریسک را مجدداً برآورد نمایند. عوامل مختلفی سبب وقوع ریسک اطلاعاتی می‌شوند، یعنی ریسک اطلاعاتی متأثر چندین عامل مختلف است. و پاسخ به این سوال که چگونه شرکت‌ها امکان در دسترس بودن اطلاعات را برای ذینفعان ایجاد می‌کنند، هم چنین مطالعات نشان می‌دهند که کیفیت محیط اطلاعاتی بر قابل دسترس بودن اطلاعات شرکت‌ها اثرگذار است. محیط اطلاعاتی کیفیت می‌تواند سبب کاهش ابهام و عدم اطمینان در خصوص شرکت‌ها شده را کاهش داده و بنابراین قدرت پیش بینی و تحلیل سرمایه‌گذاران را افزایش خواهد داد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۱).

برخی مطالعات نشان داده است در حالتی که کیفیت اطلاعات مالی ارائه شده به سرمایه‌گذاران به علت عدم تقارن اطلاعاتی بالا، ضعیف باشد، آن‌ها به‌منظور حفاظت از خود در برابر ناکارآمدی اطلاعاتی، بازده مورد انتظار بالاتری را درخواست می‌کنند و این منجر به افزایش هزینه سرمایه شرکت‌ها می‌شود. در همین راستا، افزایش شفافیت و کیفیت اطلاعات در نتیجه بهبود کیفیت حسابرسی صورتهای مالی، می‌تواند باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه شود. با افزایش کیفیت حسابرسی، اطلاعات مالی بیانگر رویدادهای اقتصادی شرکت بوده و امکان تجزیه و تحلیل را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). پس انتظار می‌رود که محیط اطلاعاتی بتواند بر کیفیت حسابرسی اثرگذار باشد.

هم چنین از دیدگاه تئوری نمایندگی مدیران جهت دستیابی به منافع شخصی خود اقدام به متنوع‌سازی می‌کنند (کیل^{۱۲}، ۱۹۸۵). مدیران با افزایش متنوع‌سازی اقدام به افزایش اندازه شرکت و در نتیجه افزایش اعتبار و قدرت خود می‌نمایند. در این شرکت‌ها مدیران توان تسهیم هزینه‌های شخصی و عدم کارایی‌های عملیاتی را بین بخش‌های مختلف دارا می‌باشند که

پربار کردن و افزایش غنای اطلاعاتی در باره این موضوع ایفا نماید که می‌تواند زمینه ساز انجام پژوهش‌های بیشتر نیز در آینده گردد.

از این رو، سوال اصلی پژوهش را می‌توان بدین گونه مطرح نمود: آیا بین کیفیت حسابرسی و متنوع‌سازی عملیاتی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؟ آیا نوسانات محیط اطلاعاتی می‌توانند بر رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و متنوع‌سازی عملیاتی اثرگذار باشند یا خیر؟ برای پاسخگویی به پرسش‌های این پژوهش، مقاله حاضر ابتدا به بیان مبانی نظری هر یک از روابط پرداخته و بعد از آن، پیشینه‌ی تحلیلی پژوهش را مورد کنکاش قرار می‌دهد؛ سپس روش‌شناسی پژوهش ارائه شده و در بخش بعدی، داده‌های گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد؛ در بخش پایانی مقاله نیز نتیجه‌گیری و جمع‌بندی ارائه شده است.

پژوهش حاضر در چندین زمینه دارای دانش افزایی و نوآوری است:

این مطالعه نخستین پژوهشی است که به بررسی اثر تعاملی نوسانات محیط اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی و متنوع‌سازی عملیاتی در ایران می‌پردازد.

این پژوهش برای نخستین بار، در خصوص رابطه‌ی فوق اجرا شده و بنابراین شواهد جدیدی را در این خصوص ارائه می‌دهد. از این رو می‌تواند به توسعه ادبیات مربوطه کمک شایانی نماید.

نتایج این پژوهش اهمیت و نقش نوسانات محیط اطلاعاتی و رابطه آن با کیفیت حسابرسی و متنوع‌سازی عملیاتی را نشان خواهد داد؛ پس زوایای مختلف این رابطه را روشن خواهد ساخت؛ بنابراین نتایج حاصله می‌تواند توسط تحلیل‌گران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- استراتژی متنوع‌سازی عملیاتی

در زمانی که رقابت تجاری شدید و تنگاتنگ شده و میزان ریسک افزایش یابد، به منظور کاهش ریسک و فشار رقابت و ضربه خوردن در تجارت از این استراتژی استفاده می‌شود؛ یعنی به جای سرمایه‌گذاری روی یک محصول یا تک محصولی شدن، در چند زمینه مختلف به ارائه محصولات اقدام می‌کنند. متنوع‌سازی به دو طریق همگون یا ناهمگون صورت می‌گیرد که براساس آن محصولات و خدمات جدید مرتبط برای مشتریان (همگون) و یا محصولات جدید و خدمات

در نتیجه آن امکان استفاده شخصی از جریان‌های نقد آزاد شرکت فراهم می‌شود (گومز و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۶). در همین راستا آمیهود و لو^{۱۴} (۱۹۸۱) بیان می‌کنند که مدیران از متنوع‌سازی به منظور کاهش ریسک عدم امکان کنترل منابع انسانی استفاده می‌کنند (توان مدیر برای جابجایی منابع انسانی در جهت منافع شخصی افزایش می‌یابد). به عبارتی، بر مبنای تحقیقات صورت گرفته از جمله چن و کانگ (۲۰۱۸) و اشلیفر و ویشنی^{۱۵} (۱۹۸۹) می‌توان ابراز داشت که متنوع‌سازی باعث ایجاد تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌گردد.

ماهیت پیچیده متنوع‌سازی در شرکت‌ها دلالت بر عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی دارد. بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی عوامل اثرگذار بر تغییر زمان‌بندی سودها پرداخته و به این نتیجه رسیدند که پیچیدگی سازمانی ناشی از متنوع‌سازی، منجر به واکنش‌های کنترلی هزینه‌بری می‌شود. به عبارتی، تعاملات گسترده بین بخش‌های مختلف ایجاد شده در یک شرکت منجر به ایجاد دارایی‌های مشترک شده و درک عملیات و فعالیت‌ها توسط سرمایه‌گذاران خارجی را با مشکل مواجه می‌سازد (میخائل و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۷) به عبارتی، متنوع‌سازی از یک سو منجر به ایجاد مزایایی از جمله ایجاد دارایی‌های استراتژیک، کاهش هزینه سرمایه و محدودسازی مشکلات ناشی از سرمایه‌گذاری کمتر از حد شده و از سوی دیگر موجب ایجاد فرصت برای عملیات فرصت‌طلبانه، پنهان کردن ناکارآمدی مدیر و تضاد نمایندگی می‌گردد. پس انتظار می‌رود که بین محیط اطلاعاتی و متنوع‌سازی رابطه‌ی معنی‌داری وجود داشته باشد.

با بررسی ادبیات موضوعی پژوهش می‌توان دریافت که درباره‌ی موضوع کیفیت حسابرسی و متنوع‌سازی عملیاتی و هم چنین در مورد نقش و هم چنین اثر تعاملی نوسانات محیط اطلاعاتی بر رابطه‌ی مذکور، تاکنون پژوهش‌های اندک و انگشت شماری در این زمینه صورت گرفته است که با بررسی آن‌ها می‌توان به خلاهای موجود تئوریک در این زمینه پی برد. به عبارت بهتر در این باره با کمبود منابع و اطلاعات مواجه بوده که این امر، لزوم تحقیقات بیشتر در این خصوص را روشن می‌سازد. بنابراین با اجرای این پژوهش، می‌توان به غنی‌سازی ادبیات موجود کمک نمود. ضمن اینکه انجام پژوهش‌هایی در زمینه نوسانات و کیفیت محیط اطلاعاتی حسابداری و شناسایی روابط و اثرگذاری آن، باعث می‌شود تا بتوان درک روشنی از ایفای نقش آن بر برخی روابط دست آورده و سهم و میزان اثرگذاری آن را نیز ارزیابی نمود. پس با توجه به آگاهی اندک جامعه دانشگاهی در این زمینه و نیز کمبود منابع اطلاعاتی، انجام این پژوهش می‌تواند سهمی هرچند اندک در

کارها از طریق ادغام و اکتساب و تنوع بخشی کسب و کارهایی دارد که ارزش بالقوه دارند و از ترکیب این کسب و کارها ارزش افزایی می‌کند.

- تئوری ساختن امپراطوری: مدیران از طریق استراتژی تنوع، بیشتر اهداف شخصی‌شان را دنبال می‌نمایند تا افزایش ارزش سهامداران (داداش زاده و برادران حسن زاده، ۱۳۹۶).

توانایی کسب منافع شخصی در شرکت‌های دارای متنوع-سازی، مدیران فرصت طلب را تحریک به کاهش کیفیت اطلاعات می‌کند (مهرورز و مرفوع، ۱۳۹۵). مزایای شخصی ناشی از متنوع‌سازی شامل منفعت طلبی فرصت طلبانه (از جمله لابی‌گری) و قدرت طلبی فردی است. با افزایش تنوع و پیچیدگی فعالیت‌های شرکت هزینه تغییر مدیریت برای شرکت افزایش پیدا کرده و آینده شغلی مدیریت نیز تا حدی تضمین می‌گردد (نبات دوست و محمدزاده سالطه، ۱۳۹۵).

مدیران به منظور جلوگیری از کشف دستکاری سود و حفظ منافع فرصت طلبانه کسب شده (از جمله کنترل شرکت و پاداش‌های دریافتی)، تمایل به ضعیف بودن کیفیت اطلاعات دارند. نبود سیاست‌های کشف تقلب و برنامه‌های افشای ضعف-های کنترل داخلی، احتمال کشف موارد خلاف قاعده را کاهش می‌دهد. بر مبنای تئوری نمایندگی، مدیران در شرکت‌های دارای متنوع‌سازی در جهت ایجاد محیط کنترلی مبهم تلاش کرده و منافع خود را با کاهش کیفیت اطلاعات حفظ می‌کنند (لاندلم و مایرز^{۱۸}، ۲۰۰۲). در این شرایط هزینه ناشی از گزینش نادرست برای سرمایه‌گذاران افزایش یافته و منجر به تغییر قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات می‌شود.

ایسلی و اوهارا^{۱۹} (۲۰۰۴) نشان دادند که بازده مورد انتظار سهام در حالت عدم تقارن اطلاعاتی افزایش و با انتشار اطلاعات کاهش می‌یابد. ایده‌ی رابطه‌ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و بازده مورد انتظار این است که وقتی سرمایه‌گذاران نامطلع با عدم تقارن اطلاعاتی روبه‌رو هستند، انتظار دارند که به سرمایه‌گذاران مطلع ببازند. در این مدل، سرمایه‌گذار نامطلع نمی‌تواند این ریسک را متنوع‌سازی کند زیرا سرمایه‌گذاران مطلع به طور اثربخشی به سرمایه‌گذاران نامطلع فشار می‌آورند و بنابراین تقاضای نامطلعی برای جبران این فشار تحمیلی (از طریق افزایش بازده مورد انتظار) ارائه می‌شود.

متنوع‌سازی و ایجاد خطوط تجاری جدید منجر به ایجاد مزایای مختلفی از جمله ایجاد دارایی‌های استراتژیک (لین و همکاران^{۲۰}، ۲۰۱۷)، کاهش هزینه سرمایه و افزایش جذب سرمایه به‌واسطه ایجاد جریان نقدی (دیاموند و ورچیا^{۲۱}، ۱۹۹۱) و محدودسازی مشکلات ناشی از سرمایه‌گذاری کمتر از حد به‌واسطه تسهیم اثربخش دارایی‌های در دسترس می‌شود.

غیرمرتبط برای مشتریان (ناهمگون) ارائه می‌شود (علی احمدی، ۱۳۸۹). متنوع‌سازی قسمتی از چهار استراتژی رشد اصلی بیان شده توسط ماتریس محصول - بازار آنسوف^{۱۷} است. آنسوف اشاره کرده است، استراتژی متنوع‌سازی صرف نظر از سه استراتژی دیگر قرار دارد. سه استراتژی اول به دنبال منابع تکنیکال، مالی و کالا برای استفاده خط اصلی تولید هستند؛ در حالی که متنوع‌سازی یک شرکت معمولاً به تحصیل مهارت‌های جدید، تکنیک‌ها و منابع و امکانات جدید نیاز دارد. متنوع‌سازی ریسکی‌ترین استراتژی از چهار نوع استراتژی ارائه شده در ماتریس آنسوف است و نیازمند دقت در سرمایه‌گذاری در این استراتژی است. ورود به یک بازار ناشناخته با محصولات پیشنهادی ناآشنا به معنای کمبود تجربه در مهارت‌ها و تکنیک‌های جدید مورد نیاز است. بنابراین، شرکت در عدم اطمینان بزرگی قدم نهاده است. مفهوم متنوع‌سازی به تفسیر ذهنی از بازار جدید یا محصول جدید بستگی دارد که باید درک مشتریان به جای مدیران را از آن بازار یا محصول منعکس کند؛ در واقع، محصولات به ایجاد یا تحریک بازارهای جدید منجر می‌شوند و بازارهای جدید نوآوری محصول را ارتقا می‌دهند (حاجیها و سعید، ۱۳۹۳).

تراوتین (۱۹۹۰)، تئوری انگیزه‌های تنوع را به این صورت تعریف می‌نماید:

- تئوری کارایی: هدف از به کارگیری استراتژی تنوع دستیابی به هم‌افزایی است. هم‌افزایی به عنوان واقعیتهای تعریف شده است که از طریق صرفه‌جویی ناشی از مقیاس و صرفه‌جویی ناشی از وسعت در تولید، بازاریابی، مواد خام، تحقیق و توسعه و مهندسی از طریق ترکیب واحدهای تجاری به وجود می‌آید. هم‌افزایی مالی، عملیاتی و مدیریتی زمانی ایجاد می‌شود که فعالیت‌ها و عملیات واحدهای تجاری، مکمل یکدیگر باشند.

- تئوری انحصاری: شرکت‌ها استراتژی تنوع را به کار می‌گیرند تا به قدرت بازاری دست یابند. مفروضات این تئوری این است که شرکت‌های مختلط استراتژی تنوع را به کار می‌گیرند تا از کمک مالی متقابل واحدهای تجاری بهره‌گیرند، رقابت را در چندین بازار همزمان محدود کنند و مانع ورود بالقوه رقبا به بازارشان شوند. این سه مزیت تئوری انحصاری از ایده روابط متقابل رقبا حمایت می‌نماید.

- تئوری ارزش: کسب و کارهایی را مدنظر قرار می‌دهد که توسط مدیرانی انجام می‌شود که اطلاعات بیشتری از بازار سهام در مورد ارزش بالقوه نامطمئن شرکت هدف دارند. مفروضات این تئوری این است که شرکت دارای اطلاعات با ارزش و منحصر به فردی برای بالا بردن ارزش مجموع کسب و

فرضیات رقیب بیان می‌کند که متنوع‌سازی علیرغم منافی که برای سازمان به همراه دارد منجر به از بین رفتن ثروت سهامداران می‌شود (لمپرت و وراچیا^{۲۲}، ۲۰۱۰). بالاگرایش و اویشتا (۲۰۱۹) بیان داشتند که افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری منجر به بهبود وضعیت رقابتی شرکت در بازارهای بین‌المللی شده که در نتیجه آن تغییر در قیمت گذاری عدم تقارن اطلاعاتی محسوس‌تر است.

۲-۲- کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی برای اولین بار توسط دی آنجلو در سال ۱۹۸۱ مطرح شد، او کیفیت حسابرسی را تحت عنوان "ارزیابی بازار" ارائه نموده است. ارزیابی بازار در واقع عبارت است از: احتمال اینکه حسابرِس هم تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم صاحبکار را کشف کند و هم تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال این که حسابرِس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرِس و احتمال این که حسابرِس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به "استقلال" حسابرِس ارتباط پیدا می‌کند (دی آنجلو^{۲۳}، ۱۹۸۱). پالمروس^{۲۴} (۱۹۸۶) کیفیت حسابرسی را ایجاد اطمینان از صورت‌های مالی و احتمال آنکه مالی هیچگونه تحریف بااهمیتی نداشته باشد، تعریف کرده است. در عمل از این تعریف به عنوان نتیجه ی حسابرسی استفاده می‌شود. تیتمن و ترومن (۱۹۸۶) کیفیت حسابرسی را صحت اطلاعات حسابرسی شده برای سرمایه گذار تعریف کردند. دیویدسون و نئو^{۲۵} (۱۹۹۳) کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرسی در کشف تحریف‌های با اهمیت و دستکاری در سود خالص گزارش شده تعریف کردند (دانگ^{۲۶}، ۲۰۰۴؛ به نقل از واعظ و همکاران، ۱۳۹۵).

مهم‌ترین شاخص اندازه گیری کیفیت حسابرِس، "اندازه حسابرِس" است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هر چه اندازه حسابرِس بزرگتر باشد، کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. منظور از اندازه حسابرِس، حسن شهرت حسابرِس است. در نتیجه حسن شهرت حسابرِس، اعتبار اطلاعات صورتهای مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابرسی بالاتر خواهد بود. (چن و همکاران، ۲۰۰۵). یکی دیگر از شاخص‌های اندازه گیری کیفیت حسابرسی، "میزان مراقبت حرفه ای حسابرِس و توانایی نظارت آن" یعنی "دوره تصدی حسابرِس" است. هر چه دوره تصدی حسابرِس بیشتر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بالاتر رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد (مایرس و همکاران^{۲۷}، ۲۰۰۳). مطالعات قبلی محققان

نشان داده است که دوره ی تصدی بلندمدت تر باعث آشنایی بیشتر حسابرِس با عملیات تجاری و مسایل گزارش‌گری حسابرسی شده و بدین گونه کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد (حکیم و عمری^{۲۸}، ۲۰۱۰؛ المطیری و همکاران^{۲۹}، ۲۰۰۹).

تخصص حسابرِس به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت حسابرسی، حسابرِس را برای شناسایی مشکلات خاص صنعت نسبت به حسابرسی که در یک صنعت دارای تخصص کافی نمی‌باشد، توانا می‌سازد. مؤسسات حسابرسی از طریق آموزش کارمندان و استفاده از تکنولوژی مناسب در زمینه صنعت، می‌توانند کیفیت حسابرسی را ارتقا دهند. مؤسسات حسابرسی، از طریق تخصص در یک صنعت و در نتیجه ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالا در صدد کسب شهرت و اعتبار در یک صنعت می‌باشند (گرملین و استون^{۳۰}، ۲۰۰۱). موارد فوق را می‌توان به طور خلاصه این گونه بیان کرد: تخصص حسابرِس در صنعت شامل خلق ایده‌های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم کردن دیدگاه‌ها یا راهکارهای تازه برای برخی از مسائلی است که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه می‌شوند، تلقی می‌شود (ناظمی‌اردکانی، ۱۳۸۹؛ به نقل از صالحی، ۱۳۹۷). در مطالعه‌ای که تنها به منظور درک این مفهوم صورت گرفت، تخصص حسابرِس در صنعت بدین گونه تعریف شد: دانش خاص یک صنعت که توسط یک مؤسسه حسابرسی در جهت کمک به فهم بهتر از آنچه صاحبکاران در آن صنعت انجام می‌دهند و ریسک‌های حسابرسی که آن‌ها با آن مواجه‌اند، به کار گرفته می‌شود. مهارت‌های خاص حسابرسی که یک مؤسسه حسابرسی در جهت کمک به صاحبکاران خود از طریق فراهم کردن راهکارهایی برای رویارویی با مسائل صنعت مورد نظر و همچنین ریسک‌های حسابرسی (مثل قوانین، انواع مالیات و غیره) ایجاد می‌کند. مهارت‌های خاص غیرحسابرسی که از طریق مشارکت مؤسسه حسابرسی به کار گرفته و تحصیل می‌شود و می‌تواند ارزش افزوده‌ای برای کسب و کار صاحبکاران خود داشته باشد (کند^{۳۱}، ۲۰۰۸).

هم‌چنین محققان شواهدی را فراهم نموده‌اند که حسابرسی موجب کاهش تضاد نمایندگی و کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و مدیران می‌شود (جنسن و مک‌لینگ^{۳۲}، ۱۹۸۶). بنا به استدلال، نظریه تقاضا برای کیفیت حسابرسی از آن جا ناشی می‌شود که بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران تضاد نمایندگی وجود دارد. هنگامی که هزینه‌های نمایندگی به دلیل عدم تمرکز مالکیت و عدم وجود نظارت مؤثر توسط مالکان افزایش می‌یابد، تقاضا برای

آنان بدین نتیجه رسیدند که کاهش در ریسک دعاوی مربوط به سهام، محتوای اطلاعاتی قیمت سهام شرکت‌ها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد که این کاهش در محتوای اطلاعاتی قیمت سهام به دلیل تغییر روش سرمایه‌گذاری شرکت‌ها به جای مبهم کردن یا نگه داشتن اطلاعات خاص شرکت است.

فن و همکاران^{۳۸} (۲۰۲۰) در پژوهش خود برای یافتن رابطه بین محیط رسانه ای جدید، افشای اطلاعات زیست محیطی و ارزیابی شرکت، بدین نتیجه رسیدند که محیط رسانه ای جدید سبب بهبود در افشای اطلاعات زیست محیطی شرکت‌ها خواهد گردید؛ این اثرگذاری در شرکت‌های دولتی مشهودتر است؛ ضمن اینکه مالکیت دارایی شرکت و فشارهای اقتصادی محیطی می‌تواند این رابطه را تحت تاثیر خود قرار دهد. هم‌چنین شرکت‌هایی که کیفیت افشای محیطی بهتری دارند ارزش آن‌ها نیز بالاتر ارزیابی می‌شود.

لیو و همکاران^{۳۹} (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان مدیران فناوری در تغییر محیط اطلاعاتی حسابداری انجام دادند. آنان در این مطالعه به بررسی ارتباط بین تصویب اجباری استانداردهای گزارش‌گری مالی بین‌المللی و پاداش مدیران فناوری پرداختند. آنان دریافته‌اند که در دوره پس از تصویب استانداردهای گزارش‌گری مالی بین‌المللی، میزان پاداش مدیران اجرایی فناوری به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. پس نتیجه گرفتند که محیط اطلاعاتی حسابداری بر میزان پاداش مدیران اثرگذار است.

سامی و ژو^{۴۰} (۲۰۰۸) این مساله را مورد بررسی قرار دادند که آیا استانداردهای حسابرسی می‌توانند افشای حسابداری و محیط اطلاعاتی شرکت‌های عمومی را تحت تاثیر قرار دهند یا خیر؟ آنان داده‌های لازم را از بازار سرمایه کشور چین گردآوری کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنان نشان دادند که اجرای استانداردهای حسابرسی می‌تواند کیفیت محیط اطلاعاتی را بهبود بخشد.

تاکنون هیچ پژوهشی، اثر تعاملی نوسانات محیط اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی و متنوع‌سازی عملیاتی در ایران را بررسی نکرده است. آنچه در ادامه می‌آید، خلاصه ای از پژوهش‌هایی است که نزدیک به موضوع پژوهش حاضر است:

نتایج پژوهش رشیدی (۱۳۹۹) حاکی از آن بود که متنوع‌سازی محصول ارتباط مثبت و معناداری با ضعف کنترل‌های داخلی دارد. همچنین، سایر نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که عدم اطمینان محیطی تاثیر معناداری بر ارتباط بین متنوع‌سازی و ضعف کنترل‌های داخلی دارد. در نهایت مشخص گردید که محدودیت تامین مالی اثر معناداری بر ارتباط بین متنوع‌سازی و ضعف کنترل‌های داخلی ندارد. به

حسابرسی‌های با کیفیت بالاتر افزایش می‌یابد (ازیبی و همکاران^{۳۳}، ۲۰۱۲). از طرفی دیگر، سرمایه‌گذاران به منظور کاهش ریسک گزینش نادرست و دستیابی به پرتفوی بهینه سرمایه‌گذاری، نیاز به اطلاعات مناسب و شفاف دارند. کیفیت حسابرسی امکان بررسی و تجزیه و تحلیل گزینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری را برای این افراد فراهم می‌آورد. به عبارتی، با افزایش کیفیت اطلاعات ارائه شده و توان مقایسه، سرمایه‌گذاران ریسک سرمایه‌گذاری را تعیین و متناسب با آن بازده مورد انتظار را تعیین می‌کنند. با کاهش ریسک ناشی از تفاوت‌های اطلاعاتی بین معامله‌گران مطلع و دیگر معامله‌گران، هزینه سرمایه نیز کاهش می‌یابد (لویت^{۴۴}، ۱۹۸۸). با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیقات انجام شده، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی تاثیر معناداری بر قیمت‌گذاری محیط اطلاعاتی دارد.

فرضیه دوم: متنوع‌سازی عملیاتی تاثیر معناداری بر قیمت‌گذاری محیط اطلاعاتی دارد.

فرضیه سوم: کیفیت محیط اطلاعاتی حسابداری، منجر به تفاوت در هزینه سرمایه بین شرکت‌های دارای کیفیت حسابرسی بالا با شرکت‌های دارای کیفیت حسابرسی پایین می‌شود.

در ادامه به نتایج برخی مهم ترین پژوهش‌های مشابه صورت گرفته در این زمینه اشاره می‌گردد:

الیوا و همکاران^{۳۵} (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان "کیفیت سود و محیط اطلاعاتی تحلیل‌گران" نشان دادند که کیفیت سودهای بیشتر منجر به پراکندگی کمتر در پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی و بنابراین افزایش دقت و صحت پیش‌بینی آنان می‌شود. هم‌چنین دریافته‌اند که قدرت ارتباط این رابطه و استانداردهای گزارش‌گری مالی بین‌المللی (محیط اطلاعاتی حسابداری) رابطه ی مثبت معنی‌داری وجود دارد.

کلارکسون و همکاران^{۳۶} (۲۰۲۰) رابطه ی بین محیط اطلاعاتی شرکت و تصمیمات نگهداشت وجه نقد را مورد بررسی قرار دادند. آنان دریافته‌اند که پس از شوک‌های اطلاعاتی، نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها کاهش می‌یابد؛ این کاهش برای شرکت‌هایی که با محدودیت‌های مالی و یا مسایل نمایندگی بیشتری مواجه هستند شدیدتر می‌باشد. در مجموع نتایج حاصله آنان چنین نشان داد که بهبود در محیط اطلاعاتی هم خطر اخلاقی و هم انتخاب نادرست را کاهش می‌دهد، در نتیجه میزان نگهداشت وجه نقد نیز کاهش می‌یابد. لی و همکاران^{۳۷} (۲۰۲۰) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین دعاوی سهامداران و محیط اطلاعاتی حسابداری پرداختند.

کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد تخصص حسابرسان در صنعت بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در کل و در مرحله بلوغ، تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، دوره تصدی حسابرسان بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در کل و در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت تأثیری ندارد.

هم چنین نتایج پژوهش حاجیها و سعید (۱۳۹۳) با عنوان "بررسی رابطه بین متنوع سازی شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی" نشان داد، بین متنوع سازی شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و از بین متنوع سازی تجاری و جغرافیایی، متنوع سازی تجاری رابطه بیشتری با عدم تقارن اطلاعاتی دارد.

با مرور دقیق پیشینه پژوهش در خارج و داخل ایران می‌توان بدین نتیجه رسید که در سال‌های گذشته مطالعات چندانی بر روی این موضوع و موضوعات مشابه صورت نگرفته است؛ به نظر می‌رسد که انجام پژوهش‌هایی از این دست در ایران می‌تواند این خلا تئوریک را تا حدی پر کند.

۳- مدل و متغیرهای پژوهش

۳-۱- مدل‌های تحقیق

این تحقیق به دنبال بررسی اثر نوسانات محیط اطلاعاتی بر مبنای کیفیت حسابرسی و متنوع سازی عملیاتی است. بدین منظور از مدل زیر برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

مدل (۱)

$$R_{i,t+1} = \alpha_0 + \lambda_1 AQuality_{it} + \varphi_1 AuditQ_{it} + \varphi_2 AuditQ_{it} \times AQuality_{it} + \varphi_3 TD_{it} + \varphi_4 TD_{it} \times AQuality_{it} + \alpha_1 LEV_{it} + \alpha_2 INST_{it} + \alpha_3 CO_OWN_{it} + \alpha_4 GRW_{it} + \alpha_5 SIZE_{it} + \alpha_6 PR_{it} + \alpha_7 Tang_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

R_{t+1} : بازده مورد انتظار سهم i طی دوره ۱۲ ماهه بر اساس مدل ۵ عاملی (تعدیل شده فاما و فرنچ) است.

CO_OWN : مالکیت متمرکز: به صورت مجموع سهام اشخاص حقیقی یا حقوقی که بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند، تعریف می‌شود.

GRW : شاخص رشد است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$GRW = (Eps_2 - Eps_1) / Eps_1$$

$Tang$: دارایی‌های ثابت مشهود: عبارتست از نسبت دارایی‌های ثابت مشهود به مجموع دارایی‌های شرکت.

عبارتی، وجود همزمان محدودیت تامین مالی و رویکرد متنوع سازی تاثیر معناداری بر ایجاد انگیزه جهت بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی ندارد.

ولی زاده لاریجانی و بهبهانی‌نیا (۱۳۹۷) با بررسی تجربی عوامل مؤثر بر بازده سهام و جنبه‌های مختلف اثرگذار بر تصمیم‌گیری نشان دادند که متغیرهای دوره تصدی حسابرسان و تخصص حسابرسان (از گروه کیفیت حسابرسانی)، سود خالص، جریان‌های نقد عملیاتی، سود تقسیمی و اقلام تعهدی (از گروه صورت‌های مالی) با بازده آتی سهام ارتباط معنی داری دارند و در پیش‌بینی آن به نحوی با اهمیت اثرگذارند.

فخاری و رضایی پیتنه‌نوئی (۱۳۹۶) با بررسی و سنجش محیط اطلاعاتی شرکت، امتیاز آن را بر اساس نظرخواهی از خبرگان و به روش آنتروپی شانون مدل سازی کردند و دریافتند که ارائه شاخصی جامع برای سنجش محیط اطلاعاتی علاوه بر معرفی ابزار جدید برای رتبه بندی محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا در انتخاب پرتفوی مناسب اقدام کنند، که در نهایت می‌تواند باعث کاهش هزینه نمایندگی و پویایی بازار سرمایه و افزایش تقارن اطلاعاتی شود.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۶) با بررسی کیفیت سود و هزینه سرمایه به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود بالاتر منجر به افزایش کیفیت افشا می‌گردد به عبارتی، شرکت‌ها به منظور جذب سرمایه‌گذاران و حذف محدودیت‌های تامین مالی اقدام به افزایش افشا کرده که در نتیجه آن و به دلیل کاهش هزینه‌های تامین مالی، هزینه سرمایه نیز کاهش می‌یابد.

هدف از مطالعه داداش‌زاده و برادران حسن‌زاده (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط بین استراتژی متنوع سازی شرکتی و پدیده مدیریت واقعی و مصنوعی سود بود. آنان در مطالعه ی خود با استفاده از داده‌های مالی ۱۲۴ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بدین نتیجه رسیدند که بین متنوع سازی تجاری و مدیریت مصنوعی سود ارتباط وجود ندارد و بین متنوع سازی جغرافیایی و مدیریت مصنوعی سود ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. همچنین آنان نتیجه گرفتند که بین متنوع سازی شرکتی و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود ندارد.

خداداده شاملو و بادآور نهندي (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان "تعیین تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت و دوره تصدی حسابرسان بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر چرخه عمر شرکت" انجام دادند. آنان در پژوهش خود، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با استفاده از مدل دی فرانکو (۲۰۱۱)، تخصص حسابرسان در صنعت با استفاده از مدل کریشنان (۲۰۰۳) و دوره تصدی حسابرسان با استفاده از تعداد سال‌های متوالی انجام خدمات حسابرسانی را یک حسابرسان اندازه‌گیری

صاحب کاران در این صنعت است و فرمول آن به شرح زیر است (پالمروس، ۱۹۸۶):

$$MS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{I_{ik}} TA_{ijk}}{\sum_{i=1}^{I_k} \sum_{j=1}^{I_{ik}} TA_{ijk}}$$

در مدل مذکور؛ MS_{ik} سهم بازار موسسه‌ی حسابرسی نام در صنعت k ؛ TA مجموع دارایی‌های صاحب کاران؛ i نماد موسسه‌ی حسابرسی؛ j نماد شرکت صاحب کار؛ k نماد صنعت مورد نظر؛ I_{ik} نماد تعداد صاحب کاران موسسه‌ی حسابرسی نام در صنعت k و I_k نماد تعداد مؤسسات حسابرسی در صنعت k است. با پیروی از پالمروس (۱۹۸۶)، موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان بر اساس معادله زیر برقرار باشد:

$$MS_{ik} > \frac{1}{N_k} * 1.2$$

در مدل مذکور؛ N_k تعداد شرکت‌های موجود در صنعت k است. بنابراین، اگر شرکت توسط موسسه حسابرسی متخصص صنعت حسابرسی شده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

بر مبنای نتایج پژوهش‌های پیشین در انتخاب متغیرهای کنترلی، می‌توان ابراز داشت که رفتار خوش‌بینانه مدیران سرآغاز تقاضا برای گزارش‌گری مالی محافظه‌کارانه است که می‌تواند انگیزه و اختیارات مدیران را برای دستکاری اطلاعات حسابداری و پنهان کردن هزینه‌های ناشی از عدم تقارن در توزیع اطلاعات، کاهش دهد. نتایج حاکی از آن است که بین محافظه‌کاری و قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات توسط مدیریت رابطه منفی وجود دارد و با توجه به رفتارهای مدیران در بازار و ریسک‌های بالقوه ناشی از عدم افشای به موقع اخبار بد، محافظه‌کاری به سازوکاری محتوایی برای سهامداران و سرمایه‌گذاران به منظور پیش‌بینی تبدیل شده است. تصمیمات سرمایه‌گذاری و اعتباردهی در بازار سرمایه تابعی از رفتار مدیریت و هزینه‌های نمایندگی می‌باشند. اندازه شرکت و کیفیت اطلاعات حسابداری به همراه نوسانات محیطی و با تأثیری که بر تأمین مالی برون سازمانی دارند، به سادگی منجر به سرمایه‌گذاری غیرکارا در شرکت‌های مواجه با محدودیت مالی می‌شود (شایتی، ۲۰۱۳). در حالی که مشکلات نمایندگی معمولاً ناشی از سرمایه‌گذاری بیش از حد مدیران با توجه به منافع شخصی و سرمایه‌گذاری نادرست جریان‌های نقد آزاد در پروژه‌های با ارزش فعلی منفی می‌باشد، پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که محافظه‌کاری می‌تواند با کنترل

PR : سودآوری: در این پژوهش، از نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها، به عنوان معیار سودآوری استفاده شده است.

Size : یکی از عوامل کنترلی است و برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار سرمایه در پایان سال t است

LEV : یکی از عوامل کنترلی است و برابر با نسبت بدهی-های بلند مدت شرکت در سال t به مجموع دارایی‌ها در پایان سال مالی t است

INST : میزان مالکیت نهادی: از مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت به دست می‌آید.

AQuality : متغیر کیفیت اطلاعاتی سهم i برای سال t است. این متغیر کیفیت اقلام تعهدی است که با استفاده از مدل جونز تعدیل شده محاسبه می‌شود. این متغیر برابر است با مجموع قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری سه سال گذشته شرکت است و به شرح زیر محاسبه می‌شود. ابتدا مدل زیر مور تخمین قرار می‌گیرد.

$$\frac{ACCRUALS_t}{A_{t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل بالا، اقلام تعهدی برابر تفاوت میان سود خالص و جریان وجه نقد عملیاتی می‌باشد.

TD : متنوع‌سازی: به منظور بررسی و محاسبه تنوع کل یک شرکت، می‌توان از رابطه زیر استفاده کرد (پالپو، ۱۹۸۵):

$$TD = \sum_{i=1}^n p_i \ln \left(\frac{1}{p_i} \right)$$

در این رابطه:

P قسمتی از فروش بخش تجاری به عنوان درصدی از کل فروش شرکت است؛ N تعداد بخش‌های تجاری شرکت است.

AuditQ : متغیر کیفیت حسابرسی است که برای محاسبه آن از معیار تخصص حسابرس استفاده می‌شود. در این تحقیق از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص صنعت موسسه‌ی حسابرسی استفاده شده است. هر چه سهم بازار موسسه‌ی حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه‌ی آن نسبت به دیگر رقبا بیشتر است. سهم بازار موسسه‌ی حسابرسی مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های

چند به سختی می‌توان سطح کیفیت حسابرسی را مستقیماً مشاهده کرد، لکن انتظار می‌رود کوانتیل دارای کمترین (بیشترین) ارزش شاخص دارای کمترین (بیشترین) کیفیت حسابرسی باشد. در کوانتیلی که به کیفیت حسابرسی پایین نزدیک‌تر است، پیش‌بینی می‌شود شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات حسابداری نسبتاً پایین، دارای هزینه سرمایه بالاتری نسبت به شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات حسابداری بالا باشند. در کوانتیلی که به کیفیت حسابرسی بالاتر نزدیک است، پیش‌بینی می‌شود که شرکت‌های دارای درجه نسبتاً پایین کیفیت اطلاعات حسابداری، دارای هزینه سرمایه تقریباً برابری با شرکت‌های دارای درجه‌ی بالای کیفیت اطلاعات حسابداری باشند. جدول زیر کوانتیل‌بندی را نشان می‌دهد.

بر حسب کیفیت حسابرسی				
کامل (Q10)	Q20	Q30	Q40	ناقص (Q50)
Q ₁₁	Q ₂₁	Q ₃₁	Q ₄₁	Q ₅₁
Q ₁₂	Q ₂₂	Q ₃₂	Q ₄₂	Q ₅₂
Q ₁₃	Q ₂₃	Q ₃₃	Q ₄₃	Q ₅₃
Q ₁₄	Q ₂₄	Q ₃₄	Q ₄₄	Q ₅₄
Q ₁₅	Q ₂₅	Q ₃₅	Q ₄₅	Q ₅₅

رفتارهای متهورانه مدیران، روند سودآوری و تأمین مالی را کنترل نماید. تصمیمات سرمایه‌گذاری و اعتباردهی در بازار سرمایه تابعی از وضعیت مالی و عملکرد شرکت می‌باشند. زیان شرکت به همراه نوسانات محیطی و با تأثیری که بر تأمین مالی برون سازمانی دارند، به سادگی منجر به سرمایه‌گذاری غیرکارا و تغییر در بازدهی مورد انتظار می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۸).

آزمون فرضیه اول تا سوم در واقع آزمون هزینه سرمایه و ویژگی‌های محیط اطلاعات است. برای آزمون این سه فرضیه و الگوسازی روابط مربوطه، مراحل زیر طی می‌شود:

- شرکت‌ها به پنج کوانتیل بر اساس شاخص کیفیت اطلاعات حسابداری دسته‌بندی می‌شوند. انتظار می‌رود که کوانتیل دارای کمترین (بیشترین) ارزش شاخص، دارای کارایی بالا (ناقص) باشد.
- سپس شرکت‌ها بر اساس شاخص درجه‌ی کیفیت حسابرسی به پنج کوانتیل دسته‌بندی می‌شوند. هر

کیفیت اطلاعات حسابداری پایین، هزینه سرمایه تعدیل شده با ریسک بالاتری را نسبت به شرکت‌های با کیفیت اطلاعات حسابداری بالا کسب خواهند کرد. در این مرحله، معناداری بارهای عاملی متغیر مورد نظر (یعنی a_H) در سطوح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ با استفاده از آماره‌ی t مورد آزمون قرار می‌گیرد.

۲-۲- جامعه‌ی آماری و نحوه‌ی انتخاب شرکت‌ها

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه‌ی این تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ است. برای انتخاب نمونه، از بین کلیه‌ی شرکت‌های موجود، شرکت‌هایی که واجد هر یک از شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و در نهایت شرکت‌های باقی مانده برای انجام آزمون انتخاب شده‌اند:

- به منظور همگن شدن نمونه‌ی آماری در سال‌های مورد بررسی، شرکت‌ها پیش از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

- بعد از آنکه شرکت‌ها به ۲۵ پرتفوی (۵ × ۵) در هر سال مرتب شدند، برای هر کوانتیل بازده آتی را برای پرتفوی پوششی که موقعیت خرید را در شرکت‌های با بالاترین سطح کیفیت اطلاعات حسابداری و موقعیت فروش در شرکت‌های با کمترین سطح کیفیت اطلاعات حسابداری اتخاذ می‌کند، محاسبه می‌شود. برای محاسبه هزینه سرمایه از مدل پنج عاملی تعدیل شده فاما و فرنچ (۱۹۹۳) استفاده می‌شود. به عبارت دیگر برای هر کوانتیل رگرسیون سری‌های زمانی بازده پرتفوی پوششی کیفیت اطلاعات حسابداری نسبت به پنج عامل بازار، اندازه، مومنتم و نسبت ارزش دفتری به بازار برآورد می‌شود:

$$R_{Ht} = a_H + \beta_1(RM - RF) + \beta_2 SMB + \beta_3 HML + \beta_4 RMW + \beta_5 CMA + \varepsilon_t$$

R_{Ht} ، بازده مربوط به پرتفوی پوششی کیفیت اطلاعات حسابداری برای کوانتیل کیفیت حسابرسی می‌باشد.

- متغیر مورد نظر در اینجا، جزء ثابت a_H است. اگر a_H به طور معناداری بیشتر از صفر باشد، شرکت‌های دارای

- (۲) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره‌ی مالی شرکت - ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- (۳) نمونه آماری شامل شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نمی‌شود زیرا، شرکت‌های مذکور ماهیت دارایی- هایشان متفاوت می‌باشد.
- (۴) شرکت‌ها طی دوره زمانی این تحقیق تغییر فعالیت یا تغییر دوره‌ی مالی نداده باشند.
- (۵) داده‌های مورد نظر شرکت‌ها در دسترس باشد.
- (۶) در نهایت شرکت‌های مورد بررسی در این تحقیق، شامل ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

برای ارایی یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در جدول زیر برخی از آمارهای توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات ارائه شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
شاخص کیفیت اطلاعات حسابداری					
کیفیت اطلاعات حسابداری	۰/۰۲۵۲	۰/۰۱۰۲	۰/۵۲۷۹	۰/۹۲۰۷	-۰/۰۰۲۱
متغیرهای مؤثر بر محیط اطلاعاتی حسابداری					
مالکیت متمرکز	۰/۷۵۹۲	۰/۸۰۰۰	۰/۱۸۲۰	۰/۹۹۹۸	۰/۰۳۹۵
رشد شرکت	۰/۱۰۲۰	۰/۱۰۰۰	۰/۴۵۱۷	۱/۹۹۰۰	-۰/۹۹۰۱
مالکیت نهادی	۰/۷۱۹۹	۰/۸۱۷۳	۰/۲۶۸۷	۰/۹۹۰۰	۰/۰۱۰۰
اهرم مالی	۰/۶۵۵۴	۰/۶۶۲۵	۰/۲۲۶۴	۰/۸۲۴۴	۰/۰۹۶۴
سودآوری	۰/۱۱۲۴	۰/۰۴۸۱	۰/۱۹۷۰	۰/۸۸۵۴	-۰/۴۳۲۳
اندازه شرکت	۵/۹۲۷۳	۵/۸۷۴۴	۰/۵۹۳۰	۸/۵۲۰۰	۴/۳۵۶۵
دارایی ثابت	۰/۵۵۱۲	۰/۴۸۴۶	۰/۲۶۵۲	۰/۸۹۰۰	۰/۰۵۰۰
شاخص‌های مبتنی بر فرضیات					
کیفیت حسابرسی	۰/۲۴۴۷	۰/۰۰۰۰	۰/۴۳۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
متنوع‌سازی عملیاتی	۱/۹۲۰۸	۱/۹۸۲۵	۰/۱۵۰۰	۴/۱۹۴۰	۰/۰۰۰۰
شاخص بازده مازاد					
هزینه سرمایه	۰/۱۲۵۲	۰/۰۸۱۹	۰/۲۶۶۲	۰/۸۹۷۲	-۰/۷۴۳۶

درصد مالکیت آن‌ها، امکان راهبری فعالیت‌های اصلی شرکت میسر می‌شود که ممکن است با توجه به اطلاعات آنها کارایی بازار افزایش و نیز ناقرینگی اطلاعات کاهش یابد و یا می‌تواند با توجه به دسترسی این افراد به اطلاعات خصوصی منجر به افزایش رانت اطلاعاتی شود که خود یکی از مصادیق ناقرینگی اطلاعات به شمار می‌آید. ارزش میانگین برای تمرکز مالکیت برابر با ۰/۷۵ می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی این است که بیشتر تمرکز مالکیت شرکت مربوط به اشخاص حقوقی (مالکان نهادی) می‌باشد. میانگین اهرم مالی ۰/۶۵ می‌باشد. به عبارتی، شرکت‌ها بیشتر از محل بدهی‌ها اقدام به تامین مالی نموده‌اند. همچنین، ارزش‌های ۰/۱۱ و ۰/۱۰ برای سودآوری و رشد، نشان‌دهنده پایین بودن سودآوری بوده و می‌تواند بیانگر نامربوط بودن اطلاعات ترازنامه و نیز رویکرد محافظه‌کارانه

با بررسی نتایج کمی آمار توصیفی متغیرهای تحقیق و با توجه به نگاره فوق ارزش ۰/۰۲۵۲ برای میانگین کیفیت اطلاعات حسابداری است. به عبارتی، چون متغیر محاسبه شده، خطای برآورد در نگاشت اقلام تعهدی به جریان‌های مالی را ثبت می‌کند، ارزش کوچکتر نشان دهنده‌ی کیفیت بهتر اقلام تعهدی است. میانگین ۲۴ درصدی کیفیت حسابرسی بیانگر بکارگیری محدود حساب‌برسان متخصص در بین صاحبکاران است. میانگین متنوع‌سازی عملیاتی برابر با ۱/۹۲۰۸ بوده که نشان دهنده محدودیت متنوع‌سازی در بین شرکت‌های بورسی است. میانگین متغیر درصد مالکیت نهادی برابر با ۰/۷۱۹۹ است. با توجه به نتایج به دست آمده، درصد سرمایه‌گذاران مطلع یعنی سرمایه‌گذاران دارای اطلاعات خصوصی در شرکت‌های مورد مطالعه بالا می‌باشد به نحوی که با توجه به

آزمون F لیمر برای مدل تحقیق در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون F لیمر برای مدل تحقیق

آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
۱/۰۸۷۲	۰/۲۶۷۲	داده‌های تلفیقی

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر و تایید فرضیه‌ی H₀ برای مدل تحقیق، مدل داده‌های تلفیقی پذیرفته می‌شود.

۴-۲-۱- فرضیه اول و دوم

در پژوهش حاضر، از آزمون دوربین- واتسون جهت تشخیص خود همبستگی مدل استفاده شده است. اگر مقدار آماره‌ی دوربین- واتسون نزدیک به عدد ۲ باشد، استقلال جمله‌ی خطای مدل می‌تواند پذیرفته شود. علاوه بر این، از آزمون فیشر جهت بررسی معناداری کل مدل استفاده شده است. جدول (۳) نتایج حاصل از برآورد مدل‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

شرکت‌ها است. بخش عمده‌ای از این تغییرات را می‌توان ناشی از وجود تورم عنوان کرد. ارزش میانگین برای دارایی‌های ثابت مشهود ۰/۵۵۱۲ می‌باشد که بیانگر سرمایه‌گذاری بالای شرکت‌ها در دارایی‌های سرمایه‌ای (سرمایه‌گذاری بلند مدت) می‌باشد. با توجه به درصد دارایی‌های ثابت به مجموع دارایی‌ها می‌توان ابراز داشت که جریان نقدی صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت شده است. در توجیه این نتیجه می‌توان ابراز داشت که در مرحله رشد بودن شرکت‌ها و عدم گستردگی آن‌ها (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳) می‌تواند دلیل سرمایه‌گذاری بالا در بخش دارایی‌های ثابت باشد. از طرفی با توجه به محدودیت‌های کلان اقتصادی و نیز در مرحله رشد بودن شرکت‌ها، تغییرات در میزان درآمدها محدود می‌باشد.

۴-۲-۲ آزمون فرضیه‌ها

قبل از برازش مدل‌ها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای مدل بالا انجام شود. نتایج حاصل از

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد مدل‌های تحقیق

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	VIF
کیفیت اطلاعات حسابداری (AQuality)	۰/۰۶۱	۴/۲۱۹	۰/۰۰۰	۱/۰۶
کیفیت حسابرسی (Auditq)	۰/۰۰۳	۰/۱۱۸	۰/۹۰۶	۱/۱۲
AQuality × Auditq	۰/۱۰۹	۱/۸۹۰	۰/۰۵۹	-
متنوع‌سازی عملیاتی (TD)	-۰/۰۱۰	-۲/۵۲۲	۰/۰۱۲	۱/۱۷
AQuality*TD	-۰/۰۲۸	-۷/۲۳۴	۰/۰۰۰	-
مالکیت متمرکز	-۰/۰۱۴	-۰/۵۴۵	۰/۵۸۶	۱/۱۱
رشد شرکت	-۰/۰۲۳	-۱/۸۱۰	۰/۰۷۱	۱/۰۹
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۳	-۰/۲۱۷	۰/۸۲۸	۱/۰۶
اهرم مالی	-۰/۱۰۹	-۲/۴۲۲	۰/۰۱۶	۱/۰۸
سودآوری	-۰/۰۵۳	-۳/۴۳۸	۰/۰۰۱	۱/۶۶
اندازه شرکت	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۹۸۸	۱/۰۷
دارایی ثابت	۰/۰۱۹	۲/۹۴۰	۰/۳۴۸	۱/۰۴
جز ثابت	۰/۲۰۰	۲/۰۸۸	۰/۰۳۷	-
ضریب تعیین	۰/۴۶۶۹			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۴۹۶			
آماره وولدریج	(۰/۲۰۱)۱/۵۰۱			
آزمون ناهمسانی	(۰/۲۱۶)۱/۸۹۹			
آماه دوربین واتسون	۲/۳۲۱۵			
آماره F	۳/۸۶۵۱			
احتمال آماره F	۰/۰۰۰			

متوسط قیمت‌گذاری می‌شود. ضریب کیفیت اطلاعات حسابداری (A1) در مدل، مثبت و معنی‌دار می‌باشد. ضریب

مطابق جدول صفحه قبل، کیفیت اطلاعات حسابداری که بر حسب معیار اقلام تعهدی اندازه‌گیری شده است، به طور

۴-۲-۲- فرضیه سوم: آزمون نقش کیفیت حسابرسی در تغییر هزینه سرمایه

آزمون فرضیه سوم در واقع آزمون هزینه سرمایه و ویژگی‌های محیط اطلاعات است. برای آزمون این فرضیه شرکت‌ها به پنج طبقه بر اساس شاخص کیفیت حسابرسی دسته‌بندی می‌شوند. سپس شرکت‌ها بر اساس شاخص درجه‌ی کیفیت اطلاعات حسابداری به پنج طبقه دسته‌بندی شده‌اند. نتایج حاصل از هر یک از این طبقه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۴: پرتفوی پوششی عدم تقارن اطلاعاتی

پرتفوی مصون‌سازی شده کیفیت اطلاعات با استفاده از کیفیت حسابرسی	
کیفیت اطلاعات (Q1-Q5)	
-۰/۰۱۰۹	پنجک اول
*-۳/۱۲۴۱	
۰/۰۱۲۴	پنجک دوم
**۲/۲۵۱۶	
۰/۰۲۱۳	پنجک سوم
**۲/۵۷۴۸	پنجک‌های کیفیت حسابرسی
۰/۰۷۶۳	پنجک چهارم
*۳/۶۶۳۰	
۰/۱۰۵۴	پنجک پنجم
*۳/۴۹۲۶	
,,*** به ترتیب بیانگر معناداری در سطح خطای ۱، ۵ و ۱۰ درصد می‌باشند.	

با توجه به جدول بالا می‌توان ابراز داشت با افزایش کیفیت حسابرسی، ضریب کیفیت اطلاعات حسابداری نیز افزایش یافته است به نحوی که در پنجک اول (کیفیت حسابرسی کمتر) ضریب مربوطه حداقل می‌باشد. نتایج حاصل از الگوی بازده مازاد مربوط به این فرضیه نیز به شرح جدول ۵ می‌باشد:

متغیر مورد نظر در فرضیه سوم، جزء ثابت است. اگر جز ثابت به طور معناداری بیشتر از صفر باشد، شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات حسابداری بالا، هزینه سرمایه کمتری را نسبت به شرکت‌های با کیفیت اطلاعات حسابداری پایین کسب خواهند کرد. با توجه به جدول فوق و نیز براساس کوانتیل‌های اول و آخر و مقایسه آن‌ها می‌توان ابراز داشت که فرضیه سوم تحقیق با استفاده از معیار کیفیت حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری تایید شده است. به عبارتی، بین کوانتیل‌های بالا و پایین کیفیت اطلاعات حسابداری از بعد هزینه سرمایه، تفاوت معناداری وجود دارد و می‌توان ابراز

کیفیت حسابرسی (λ_2) معنی‌دار نمی‌باشد. ضرایب متغیرهای کیفیت اطلاعات حسابداری (λ_1) و کیفیت حسابرسی (λ_2) در واقع اثرات مجزای این دو متغیر را نشان می‌دهد.

همچنین برای آزمون نقش کیفیت حسابرسی بر قیمت‌گذاری محیط اطلاعاتی، ضریب مورد نظر، ضریب ارتباط متقابل بین کیفیت حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری یعنی λ_3 است. این ضریب در واقع جزء قیمت‌گذاری اضافی مازاد بر عوامل مجزا را نشان می‌دهد. بر مبنای فرضیات و طرح نظری مساله تحقیق، قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری، در شرایط کیفیت حسابرسی بالا افزایش می‌یابد، بنابراین انتظار بر مثبت بودن ضریب λ_3 است. در حقیقت ضریب مثبت در این ارتباط متقابل نشان دهنده‌ی آن است که با افزایش کیفیت حسابرسی، سطح قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که برای مدل پژوهش، ضریب λ_3 مثبت و در سطح خطای ۱۰ درصد معنی‌دار می‌باشد. این نشان می‌دهد که قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری در سطوح با کیفیت حسابرسی بالاتر، بیشتر است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که با توجه به معنی‌دار شدن ضریب، کیفیت حسابرسی قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این نتیجه مطابق با پیش‌بینی تحقیق (قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری با کیفیت حسابرسی بالاتر افزایش می‌یابد) و نیز نتیجه مطالعات سایر محققانی همچون بیدل و همکاران^{۴۱} (۲۰۱۰) است.

همچنین برای آزمون نقش متنوع‌سازی عملیاتی بر قیمت‌گذاری محیط اطلاعاتی، ضریب مورد نظر، ضریب ارتباط متقابل بین متنوع‌سازی عملیاتی و کیفیت اطلاعات حسابداری یعنی λ_4 است. این ضریب در واقع جزء قیمت‌گذاری اضافی مازاد بر عوامل مجزا را نشان می‌دهد. بر مبنای فرضیات و طرح نظری مساله تحقیق، قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری، در شرایط متنوع‌سازی عملیاتی بالا کاهش می‌یابد، بنابراین انتظار بر مثبت بودن ضریب λ_4 است. در حقیقت ضریب منفی در این ارتباط متقابل نشان دهنده‌ی آن است که با افزایش متنوع‌سازی عملیاتی، سطح قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری کاهش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که برای مدل پژوهش، ضریب λ_4 منفی و در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. این نشان می‌دهد که قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری در سطوح با متنوع‌سازی عملیاتی بالاتر، کمتر است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که با توجه به معنی‌دار شدن ضریب، متنوع‌سازی عملیاتی قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

داشت که تغییرات در کیفیت حسابداری منجر به تغییر در هزینه سرمایه می‌شود.

جدول ۵: تغییر هزینه سرمایه

کیفیت اطلاعات حسابداری					
پنجک	متغیر	Q ₁ (بالا ترین)		Q ₅ (پایین ترین)	
		ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
کیفیت حسابداری	جز ثابت	۰/۰۴۳۲	۲/۰۹۷۳**	۰/۰۹۷۹	۲/۴۵۵۷**
	ضریب تعیین	۰/۲۷۵۴		۰/۴۱۱۱	
	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
	جز ثابت	۰/۱۰۱۲	۱/۹۰۲۵***	۰/۲۱۰۴	۱/۴۲۱۹
کیفیت حسابداری	ضریب تعیین	۰/۲۴۱۳		۰/۳۶۲۹	
	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
	ضریب تعیین	۰/۲۴۱۳		۰/۳۶۲۹	
	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	

***،**،* به ترتیب بیانگر معناداری در سطح خطای ۱، ۵ و ۱۰ درصد می‌باشند.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج فرضیه اول تحقیق مبنی بر اثر کیفیت حسابداری بر قیمت گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری، تایید شده است. لمبرت و همکاران (۲۰۱۲) اثبات کردند که کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند هزینه سرمایه را هم مستقیم و هم غیرمستقیم تحت تاثیر قرار دهد. آن‌ها گزارش‌های حسابداری شرکت را به عنوان اطلاعاتی درباره جریان‌های نقد آتی در نظر گرفتند که به خوبی رفتار واقعی گزارشگری را نشان می‌دهد. موفقیت در محیط تجاری مستلزم تمایل به پیگیری فرصت‌های شناسایی نشده است (بوتوسان و پلومل^{۴۲}، ۲۰۰۲) اما مدیران اغلب تمایلی به پیگیری و شناسایی این فرصت‌ها ندارند. با این حال، طرح‌های انگیزشی را می‌توان جهت تشویق مدیران به ریسک‌پذیری بکار گرفت (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ فو و همکاران^{۴۳}، ۲۰۱۲) ولی تمایل به اتخاذ تصمیمات اساسی غالباً توسط انگیزه‌های ذاتی و درونی محدود می‌شود و انگیزه‌های مالی نقش کم اهمیت‌تری را ایفا می‌کنند (آکینز و همکاران^{۴۴}، ۲۰۱۴). در شرایطی که کیفیت اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌ها در نتیجه کاربرد بیش از اندازه ارقام تعهدی در بازارهای معاملاتی ضعیف باشد، ریسک افزایش هزینه سرمایه و گزینش نادرست محتمل می‌شود که در مقابل ریسک عدم کشف حسابداری و از بین رفتن اعتبار موسسات حسابداری افزایش می‌یابد. در این شرایط حسابداری به منظور ایجاد صرف ریسک و کاهش خطرات ناشی از دعاوی حقوقی اقدام به افزایش دامنه رسیدگی‌ها و تغییر سطح ریسک در سطح حساب می‌کند (استیگلتر^{۴۵}، ۲۰۰۳).

نتایج فرضیه دوم تحقیق مبنی بر اثر متنوع‌سازی عملیاتی بر قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری، تایید شده است.

در این راستا می‌توان ابراز داشت که متنوع‌سازی علیرغم منفعتی که برای سازمان به همراه دارد منجر به از بین رفتن ثروت سهامداران می‌شود (چانگ و همکاران^{۴۶}، ۲۰۱۴). از دیدگاه تئوری نمایندگی مدیران جهت دستیابی به منافع شخصی خود اقدام به متنوع‌سازی می‌کنند (لوز و وراکیا^{۴۷}، ۲۰۰۰؛ وان بوسکرک^{۴۸}، ۲۰۱۲). مدیران با افزایش متنوع‌سازی اقدام به افزایش اندازه شرکت و در نتیجه افزایش اعتبار و قدرت خود می‌نمایند. در این شرکت‌ها مدیران توان تسهیم هزینه‌های شخصی و عدم کارایی‌های عملیاتی را بین بخش‌های مختلف دارا می‌باشند که در نتیجه آن امکان استفاده شخصی از جریان‌های نقد آزاد شرکت فراهم می‌شود (بورن و هیلگیست^{۴۹}، ۲۰۰۷). در این راستا بست و همکاران^{۵۰} (۲۰۰۴) نشان دادند که متنوع‌سازی منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش شفافیت اطلاعاتی می‌گردد و این عدم تقارن اطلاعاتی در نتیجه افزایش حجم اطلاعات ناشی از جریان‌های نقدی بخش‌های متنوع است. به عبارتی، معاملات گسترده بین بخش‌های مختلف ایجاد شده در یک شرکت منجر به ایجاد دارایی‌های مشترک شده و درک عملیات و فعالیت‌ها توسط سرمایه‌گذاران خارجی را با مشکل مواجه می‌سازد (فیشمن و هاگرتی، ۱۹۹۲). نتایج حاصل از یافته‌های فرضیه دوم با تحقیقات آئوکی^{۵۱} (۲۰۱۰) هماهنگی دارد.

در ارتباط با فرضیه سوم تحقیق همان طور که گفته شد، کیفیت حسابداری منجر به تفاوت در هزینه سرمایه بین شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات حسابداری بالا با شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات حسابداری پایین می‌شود. براساس مدل انتظارات عقلایی هزینه سرمایه به شکاف بین مقدار اطلاعات عمومی و اطلاعات خصوصی و نیز به چگونگی انتشار اطلاعات

بستگی دارد. افزایش حدود انتشار اطلاعات، هزینه سرمایه را از طریق افزایش اطلاع دهندگی قیمت سهم کاهش می‌دهد (مرتون^{۵۲}، ۱۹۸۷). علت آن است که سرمایه‌گذاران مطلع می‌توانند از مزیت اطلاعات اضافی خود برای معامله با سرمایه‌گذاران نامطلع استفاده کنند و پرتفوی‌هایی را نگهداری کنند که در آن وزن زیادی به سهام دارای اطلاعات خصوصی مثبت و وزن کمی به سهام دارای اطلاعات خصوصی منفی داده است. در وضعیت کیفیت حسابرسی پایین، هزینه سرمایه صرفاً تابعی از میانگین آگاهی سرمایه‌گذاران است. وقتی کیفیت حسابرسی بالا هستند، کژگزینی هیچ نقشی ندارد زیرا هر سرمایه‌گذار بر این باور است که تقاضای او برای یک دارایی، هیچ اثری بر قیمتی که تقاضای او به آن قیمت اجرا می‌شود، ندارد. نتایج حاصل از این سوال با تحقیقات لمبرت و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بازار سرمایه توصیه نمود تا هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به متنوع‌سازی عملیات شرکت‌ها نیز توجه لازم را مبذول دارند. همچنین، مدیران عامل و هیات مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد تا زمینه لازم برای بهبود وضعیت محیط اطلاعاتی و به خصوص محیط اطلاعاتی حسابداری شرکت را فراهم سازند زیرا این عامل می‌تواند بر بسیاری از متغیرهای مالی و عملیاتی شرکت‌ها همانند شفافیت و عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی نیز تاثیرگذار باشد. علاوه بر این، با توجه به نتیجه پژوهش مبنی بر اثرگذاری محیط اطلاعاتی شرکت، به سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان، در سال‌های آینده، زیرساخت‌های لازم برای ایجاد فضایی رقابتی در بین مدیران اقدام به رتبه بندی شرکت‌ها بر اساس کیفیت محیط اطلاعاتی آن‌ها نماید.

هم چنین با توجه به سایر یافته‌های پژوهش به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌گردد تا متنوع‌سازی را مدنظر خود قرار داده و به آن توجه بیشتری نمایند. به عنوان مثال مدیران می‌توانند ماهیت محصولات و خدمات، فرایندهای تولید، نوع یا طبقه مشتریان برای محصولات و ارائه خدمات و روش‌های توزیع محصولات نیز تمامی موارد مربوط به شرکت خود را به طور کامل افشا نمایند. اما در اجرای متنوع سازی باید به نقش مالکیتی سهام داران نیز توجه کنند زیرا مالکیت می‌تواند اثرات متنوع سازی را تحت تاثیر خود قرار دهد اما می‌توان برای کاهش ریسک متنوع سازی، زمینه نظارت هر چه بیشتر توسط سهامداران نهادی را فراهم نمود.

در خصوص کیفیت حسابرسی، باید توجه داشت که کیفیت حسابرسی نقش مهم و اساسی در ارتقای جایگاه حرفه حسابداری و حسابرسی ایفا می‌نماید و ارزیابی عملکرد موسسات حسابرسی از اهمیت بسزایی در این زمینه برخوردار می‌باشند. از سوی دیگر صاحبکاران نیز علاقه مند هستند که اطلاعاتی از جایگاه حسابرسی خود و کیفیت حسابرسی وی کسب نمایند. در ایران کارگروه کنترل کیفیت جامعه حسابداران رسمی به بررسی کیفیت موسسات حسابرسی می‌پردازد و نتیجه ارزیابی خود را به صورت سالانه منتشر می‌نماید و در اختیار عموم قرار می‌دهد و یک رتبه بندی از سوی سازمان بورس اوراق بهادار برای موسسات حسابرسی معتمد این سازمان صورت می‌گیرد. رتبه هر موسسه می‌تواند نمادی از جایگاه و کیفیت آن در برابر سایر موسسات (از نظر مشتریان) باشد. لذا این رتبه بندی موضوع بالاهمیتی می‌باشد که سازوکارها و نتایج مربوط به آن می‌بایستی مورد آزمون‌های مختلف قرار گرفته تا اتکاپذیری آن بررسی گردد.

با توجه به اهمیت محیط اطلاعاتی حسابداری و اینکه پژوهش‌چندانی در ارتباط با اجزای آن و نحوه اثرگذاری بر متغیرهای مالی و عملیاتی انجام نگرفته است، بنابراین انجام پژوهش‌هایی در زمینه تأثیر جنبه‌های مختلف محیط اطلاعاتی حسابداری بر متغیرهایی همانند شفافیت؛ عدم تقارن اطلاعاتی، نقدینگی، بازده سهام، نوسانان قیمت سهام، سودآوری و عملکرد شرکت و سایر متغیرهای مشابه می‌تواند مفید باشد. همچنین بررسی این پژوهش به تفکیک صنعت نیز اطلاعات بهتری را برای هر گروه از صنایع فراهم می‌نماید.

وجود موانع و محدودیت در مراحل پژوهش جزء جدانشدنی پژوهش محسوب می‌شود و همین موضوع، بستر مناسب برای پژوهش‌های آتی را فراهم می‌کند. از این رو، این پژوهش نیز از این قاعده مستثنا نبوده و انجام آن با محدودیت‌های مواجه بود. مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش عبارت بودند از:

- عدم وجود تعریف واحد، منسجم و قابل اتکا از محیط اطلاعاتی حسابداری که موجب می‌شود استخراج متغیر مربوطه، تحت تأثیر قرار گیرد.
- یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش، مقطعی بودن آن است، برای پی بردن به یک رابطه علی، مستلزم اجرای تحقیق در مقاطع زمانی مختلف است.

information asymmetry. *Managerial Auditing Journal*.

- * Amihud, Y., & Lev, B. (1981). Risk reduction as a managerial motive for conglomerate mergers. *The bell journal of economics*, 605-617.
- * Aoki, M. (2010). *Corporations in Evolving Diversity*. Oxford; Oxford University Press.
- * Armstrong, C. S., Core, J. E., Taylor, D. J., & Verrecchia, R. E. (2011). When does information asymmetry affect the cost of capital?. *Journal of Accounting Research*, 49(1), 1-40.
- * Azibi, J., Tondeur, H., & Rajhi, M. T. (2012). Auditor choice and institutional investor characteristics after the Enron scandal in the French context. *International Journal of Economics and Accounting*, 2(1), 32-52.
- * Best, R. W., Hodges, C. W., & Lin, B. X. (2004). Does information asymmetry explain the diversification discount?. *Journal of Financial Research*, 27(2), 235-249.
- * Beyer, A., Cohen, D. A., Lys, T. Z., & Walther, B. R. (2010). The financial reporting environment: Review of the recent literature. *Journal of accounting and economics*, 50(2-3), 296-343.
- * Bhattacharya, N., Desai, H., & Venkataraman, K. (2009). Earnings quality and information asymmetry. Available at URL: <http://www.ssrn.com>.
- * Botosan, C. A., & Plumlee, M. A. (2002). A re-examination of disclosure level and the expected cost of equity capital. *Journal of accounting research*, 40(1), 21-40.
- * Burns, N., Kedia, S., & Lipson, M. (2010). Institutional ownership and monitoring: Evidence from financial misreporting. *Journal of Corporate Finance*, 16(4), 443-455.
- * Bushman, R. M., Piotroski, J. D., & Smith, A. J. (2001). What determines corporate transparency? Working paper University of North Carolina.
- * Bushman, R., Chen, Q., Engel, E., & Smith, A. (2004). Financial accounting information, organizational complexity and corporate governance systems. *Journal of Accounting and Economics*, 37(2), 167-201.
- * Chang, E., Lin, T., & Ma, X. (2014). Governance through trading and corporate investment decisions. Working paper.
- * Chen, F., Hou, Y., Richardson, G., & Ye, M. (2012). Auditor industry expertise and the timeliness and usefulness of litigation loss contingency disclosures. Unpublished manuscript.
- * Chen, G. Z., & Keung, E. C. (2018). Corporate diversification, institutional investors and internal control quality. *Accounting & Finance*, 58(3), 751-786.
- * Chen, K., Lin, L. K., & Zhou, J. (2005). Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO Firms. *Managerial Accounting Journal*, 20(1), 86-104
- * Clarkson, P., Gao, R., & Herbohn, K. (2020). The relationship between a firm's information environment and its cash holding decision. *Journal*

فهرست منابع

- * حاجیهها، ز، و سعید، ا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین متنوع‌سازی شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی. راهبرد مدیریت مالی، ۳(۳)، ۹۵-۱۱۴.
- * خداداده شاملو، ن، و بادآور نهنندی، ی. (۱۳۹۶). تأثیر تخصص حسابرسی در صنعت و دوره تصدی حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر چرخه عمر شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۹(۲).
- * داداش زاده، ق، و برادران حسن زاده، ر. (۱۳۹۶). ارتباط استراتژی متنوع‌سازی شرکتی و پدیده مدیریت واقعی و مصنوعی سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷(۳)، ۱۸۱-۲۰۰.
- * رشیدی، م. (۱۳۹۹). نقش محدودیت تامین مالی و عدم اطمینان محیطی در محدودسازی ارتباط بین متنوع‌سازی عملیاتی و ضعف کنترل‌های داخلی. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۲)، ۱۸۳-۲۰۶.
- * فخاری، ح، و رضایی پینه نوئی، ی. (۱۳۹۶). تبیین مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت. فصلنامه حسابداری مالی، ۹(۳۳)، ۱۲۱-۱۴۷.
- * فخاری، ح، و رضایی پینه نوئی، ی. (۱۳۹۷). تاثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۶)، ۶۳-۷۹.
- * مهرورز، ف، و مرفوع، م. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۹)، ۸۳-۱۱۰.
- * نبات دوست، م. ح. و محمدزاده سالطه، ح. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۶(۶۲)، ۱۷۶-۱۵۹.
- * واعظ، س. ع. (۱۳۹۵). عابدی صدقیانی ب. و احمدی، و. بررسی ارتباط بین برخی شاخص‌های کیفی حسابرسی و ویژگی‌های شرکت با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، دانش حسابرسی، ۱۶(۶۲)، ۱۲۰-۱۰۱.
- * Aggarwal, R. A. J., Cao, J., & Chen, F. (2012). Information environment, dividend changes, and signaling: evidence from ADR firms. *Contemporary Accounting Research*, 29(2), 403-431.
- * Akins, B. K., Ng, J., & Verdi, R. S. (2012). Investor competition over information and the pricing of information asymmetry. *The Accounting Review*, 87(1), 35-58.
- * Almutairi, A. R., Dunn, K. A., & Skantz, T. (2009). Auditor tenure, auditor specialization, and

- * Kyle, A. (1985). Continuous auctions and insider trade. *Econometrica*, 53, 1315-1335.
- * Lambert, R., & Verrecchia, R. (2010). Cost of Capital in Imperfect Competition Settings. Working paper, University of Pennsylvania.
- * Lambert, R., Leuz, C., & Verrecchia, R. (2012). Information asymmetry, information precision, and the cost of capital. *Review of Finance* (forthcoming).
- * Lang, M. H., Lins, K. V., & Miller, D. P. (2003). ADRs, analysts, and accuracy: Does cross listing in the United States improve a Firm's information environment and increase market value? *Journal of Accounting Research*, 41(2), 317-345.
- * Le, N., Nguyen, D., & Sila, V. (2020). Does shareholder litigation affect the corporate information environment?, *Journal of Financial Markets*, www.elsevier.com/locate/finmar.
- * Leuz, C., & Verrecchia, R. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of Accounting Research* 38 (Supplement), 91-124.
- * Levitt, A. (1998). The Importance of High Quality Accounting Standards. *Accounting Horizons*, 12, 79-82.
- * Lin, T.J., Chen, Y.P., & Tsai, H.F. (2017). The relationship among information asymmetry, dividend policy and ownership structure. *Finance Research Letters*, 20.
- * Liu, F., Hsu, H., & Yen, D. (2018). Technology Executives in the Changing Accounting Information Environment: Impact of IFRS Adoption on CIO Compensation, *INFMAN*. <https://doi.org/10.1016/j.im.2018.04.002>.
- * Lundholm, R., & Myers, L. (2002). Bringing the future forward: The effect of disclosure on the return-earnings relation. *Journal of Accounting Research*, 40(3), 809.
- * Michael Imhof, J. Seavey, S.E., & Smith, D.B. (2017). Comparability and Cost of Equity Capital. *Accounting Horizons*, 31(2), 125-138.
- * Myers, J. N., Myers, L. A., & Omer, T. C. (2003). Exploring the Term of the Auditor-client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?, *Accounting Review*, 78, 779-800.
- * Palmrose, Z.V. (1986). Audit fees and auditor size: further evidence. *Journal of Accounting Research*, 24, 97-110.
- * Sami, H., & Zhou, H. (2008a). Do auditing standards improve the accounting disclosure and information environment of public companies? Evidence from the emerging markets in China. *International Journal of Accounting*, 43(2), 139-169.
- * Sami, H., & Zhou, H. (2008b). Reply to discussant comments on "Do auditing standards improve the accounting disclosure and information environment of public companies? Evidence from the emerging markets in China", editorial. *International Journal of Accounting*, 43(2), 178-183.
- * Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1989). Management entrenchment: The case of manager specific investments. *Journal of Financial Economics*, 25, 123-139.
- of Contemporary Accounting & Economics, 16(2), 100201.
- * Collins, D. W., & Kothari, S. P. (1989). An analysis of intertemporal and cross-sectional determinants of earnings response coefficients. *Journal of accounting and economics*, 11(2-3), 143-181.
- * Dang, L. (2004). May assessing actual audit quality: A value relevance perspective.
- * Davidson, R. A., & Neu, D. (1993). A note on the association between audit firm size and audit quality. *Contemporary accounting research*, 9(2), 479-488.
- * De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting research*, 49(4), 895-931.
- * De Angelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3(3), 183-199.
- * Diamond, D. W., & Verrecchia, R. E. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *The journal of Finance*, 46(4), 1325-1359.
- * Easley, D., & O'hara, M. (2004). Information and the cost of capital. *The journal of finance*, 59(4), 1553-1583.
- * Eliwa, Y., Haslam, J., & Abraham, S. (2021). Earnings quality and analysts' information environment: Evidence from the EU market. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 42, 100373.
- * Fan, L., Yang, K., & Liu, L. (2020). New media environment, environmental information disclosure and firm valuation: Evidence from high-polluting enterprises in China. *Journal of Cleaner Production*, 277, 123253.
- * Fu, R., Kraft, A., & Zhang, H. (2012). Financial reporting frequency, information asymmetry, and the cost of equity. *Journal of accounting and economics*, 54(2-3), 132-149.
- * Gomes, A., Gorton, G., & Madureira, L. (2007). SEC Regulation Fair Disclosure, information, and the cost of capital. *Journal of Corporate Finance*, 13(2-3), 300-334.
- * Gramling, A., & Stone, D. (2001). Audit firm industry expertise: A review and synthesis of the archival literature. *Journal of Accounting Literature*, 20, 1-27.
- * Hakim, F., & Omri, A. (2010). Quality of the external auditor information asymmetry and bid-ask spread, *International Journal of Accounting and Information Management*, 18(1), 5-18.
- * Jensen, M.C., & Meckling, W. (1986). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and capital structure. *Journal of Financial Economics*, 3, 305-360.
- * Jonnergård, K., von Koch, C., & Nilsson, O. (2020). Information environment—An exploration and clarification of the concept based on prior literature. *Advances in accounting*, 100486.
- * Kend, M. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding. *Pacific Accounting Review*, 20, 49-62.

یادداشت‌ها

- ¹ Watts, & Zimmerman
- ² Information Environment
- ³ Beyer, Cohen, Lys, Walther
- ⁴ Collins, Kothari
- ⁵ Jonnergård, von Koch, & Nilsson
- ⁶ Lang, Lins, & Miller
- ⁷ Corporate transparency
- ⁸ Bushman, Piotroski, Smith
- ⁹ Aggarwal, Cao, Chen
- ¹⁰ Armstrong, Core, Taylor, Verrecchia
- ¹¹ Bhattacharya, Desai, Venkataraman
- ¹² Kyle
- ¹³ Gomes, Gorton, Madureira
- ¹⁴ Amihud & Lev
- ¹⁵ Shleifer, & Vishny
- ¹⁶ Michael Imhof, Seavey, Smith
- ¹⁷ Ansoff
- ¹⁸ Lundholm, Myers
- ¹⁹ Easley, O'hara,
- ²⁰ Lin, Chen, & Tsai
- ²¹ Diamond & Verrecchia
- ²² Lambert, Verrecchia
- ²³ De Angelo
- ²⁴ Palmrose
- ²⁵ Davidson, Neu
- ²⁶ Dang
- ²⁷ Myers, JMyers, & Omer
- ²⁸ Hakim, & Omri
- ²⁹ Almutairi, A. R., Dunn, K. A., & Skantz
- ³⁰ Gramling, & Stone
- ³¹ Kend
- ³² Jensen, Meckling
- ³³ Azibi, Tondeur, Rajhi,
- ³⁴ Levitt
- ³⁵ Eliwa, Haslam, Abraham
- ³⁶ Clarkson, Gao, Herbohn
- ³⁷ Le, Nguyen, & Sila
- ³⁸ Fan, Yang, & Liu
- ³⁹ Liu, Hsu, & Yen
- ⁴⁰ Sami, & Zhou
- ⁴¹ Biddle, Hilary, Verdi
- ⁴² Botosan, Plumlee
- ⁴³ Fu, Kraft, Zhang
- ⁴⁴ Akins, Ng, Verdi
- ⁴⁵ Stiglitz
- ⁴⁶ Chang, Lin, Ma
- ⁴⁷ Leuz, & Verrecchia
- ⁴⁸ Van Buskirk
- ⁴⁹ Brown, Hillegiest
- ⁵⁰ Best, Hodges, Lin
- ⁵¹ Aoki
- ⁵² Merton

- * Stiglitz, L. (2003). Estimating the components of the bid/ask spread. *Journal of Financial Economics*, 21 (1), 123-142.
- * Stiglitz, L. (2004). Bid, ask, and transaction prices in a specialist market with heterogeneously informed traders. *Journal of Financial Economics*, 14 (1), 71-100.
- * Van Buskirk, A. (2012). Disclosure frequency and information asymmetry. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 38, 411-440.
- * Watts, R., & Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, N J.